

# Touched with Healing and Compassion

(Sermon by Cheryl Williams, preached at Footscray Baptist on June 7<sup>th</sup>, 2026 – Matthew 9:9-13 & 9: 18-36)

امروز در قرائت‌هایمان با سه نفر آشنا می‌شویم که همگی وجه مشترکی دارند.

متی یک مأمور جمع‌آوری مالیات است. او مانند اکثر افرادی که مالیات جمع‌آوری می‌کنند، محبوب نیست. او نه تنها مالیات جمع‌آوری می‌کند، بلکه برای یک کشور خارجی، یعنی رومی‌هایی که فلسطین را اشغال کرده بودند، مالیات جمع‌آوری می‌کند. شغل او شامل جمع‌آوری مقدار مشخصی مالیات برای رومی‌ها بود و اگر بیشتر از آن مقدار جمع‌آوری می‌کرد، سودش بود. در نتیجه، او آماده اخاذی و گرفتن مالیات اضافی از مردم بود. به همین دلیل، مردم او را هم متقلب و هم خائن می‌دانستند. نه «نجس» به معنای مذهبی، بلکه مطمئناً یک بیگانه در جامعه خود بود که فقط با سایر مأموران جمع‌آوری مالیات و «گناهکاران» معاشرت می‌کرد.

دختر بی‌نام یک رهبر مذهبی برجسته که بسیار بیمار و نزدیک به مرگ است. پدرش در جامعه یهودی سرشناس و از رهبران کنیسه است. او از اینکه دخترش بهتر شود، ناامید است. آنقدر ناامید که به سراغ عیسی، فرد رادیکالی که به شفای دیگران شهرت دارد، می‌رود، اما به سرعت برای دیگر رهبران مذهبی مشکل‌ساز می‌شود و آنها سعی در از بین بردن او دارند. من تعجب می‌کنم که آیا آنها پدر را خائن می‌دانند، زیرا او به سراغ عیسی می‌رود، در مقابل او زانو می‌زند و از او برای بازگرداندن سلامتی دخترش التماس می‌کند.

زنی ناشناس که او نیز ناامید است. او مدت زیادی است که بیمار است - ۱۲ سال، احتمالاً به اندازه زمانی که دختر رهبر مذهبی زنده بوده است. او به پزشک مراجعه کرده و تمام پول خود را صرف جستجوی درمان کرده است. او خونریزی دارد، ۱۲ سال است که خون از دست می‌دهد، اگر خسته می‌شود، "نجس" نیز محسوب می‌شود. او ناامید است اما نمی‌خواهد سر و صدا کند، بدون شک بیماری او نیز شرم‌آور بود، بنابراین نقشه‌ای می‌کشد.

متیو، دختر بی‌نام و زن بی‌نام، همگی توسط دیگران در جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، به ویژه توسط افراد مذهبی، «نجس» یا «گناهکار» تلقی می‌شوند. همه آنها بیگانه تلقی می‌شوند، همه به نوعی ناامید هستند.

عیسی با همه آنها روبرو می‌شود و به نوعی آنها را «لمس» می‌کند، آنها را با شفقت و رحمت «لمس» می‌کند.

متی پس از ملاقات با عیسی، فراخوانده می‌شود تا از او پیروی کند. با وجود اینکه او یک «بیگانه»، یک «خائن» و دارای سبک زندگی‌ای است که برخی آن را رسواکننده می‌نامند، عیسی همچنان با او تماس می‌گیرد و او را به عضویت در گروه رنگارنگ پیروانش فرا می‌خواند. واکنش متیو به برگزاری مهمانی، باربی و دعوت از همه دوستانش - که بیشتر آنها مأمور مالیات یا «گناهکار» هستند، به هر حال او با چه کسی دیگر معاشرت می‌کرد، چه کسی می‌توانست دوست او باشد؟ و عیسی و شاگردانش نیز در لیست دعوت بودند.

این مهمانی کمی جنجال ایجاد می‌کند؛ عیسی متهم به ارتباط با مأموران مالیات و گناهکاران می‌شود.

وقتی عیسی حرف‌های آنها را می‌شنود، از فرصت استفاده می‌کند و به آنها درباره خدا تعلیم می‌دهد.

اولاً، او می‌گوید که او و خدا برای بیمارانی می‌آیند، نه برای درستکاران، به هر حال فقط بیمارانی که به پزشک نیاز دارند، نه برای چاه. نمی‌توانم از تعجب کردن در مورد اینکه او فکر می‌کند بیمارانی چه کسانی هستند، دست بردارم!

ثانیاً، او می‌گوید که به جای آیین‌ها و قوانین، آنچه او و خدا ترجیح می‌دهند، عمل به رحمت، شفقت و شمول است.

در دنیای خدا، هیچ کس «نجس» یا نجس نیست.

سپس می بینیم که عیسی به آنچه در داستان های برخورد با دختر و زن بی نام موعظه می کند، عمل می کند.

دختر بی نام تا زمانی که عیسی به آنجا می رسد، مرده است، زیرا در راه توسط زن بی نام قطع شده است. این امر او را از نظر آیینی «نجس» می کرد، مردم نگران عفونت بودند. عیسی به هر حال وارد خانه می شود؛ خنده جمعیت مانع او نمی شود. در خانه، او دست دختر را می گیرد، بدون ترس از «لمس» دختر «نجس» و او را به سلامت باز می گرداند. هیچ کس نجس نیست.

زن بی نام در راه او را قطع کرده بود. او که ناامید شده بود اما نمی خواست سر و صدا ایجاد کند، با خود می گوید اگر فقط شل او را لمس کند، او نیز به سلامت باز می گردد. بنابراین، در میان جمعیت، او به سمت شل او دست دراز می کند. او لبه لباس او را لمس می کند، اما این از دید عیسی پنهان نمی ماند. هیچ کس دیگری نمی داند چه کسی این کار را کرده است، اما عیسی می داند. او بر می گردد و به او نگاه می کند، بدون شک با چشمانی از شفقت و رحمت و او را «دختر» خطاب می کند، ایمان او را تأیید می کند و او شفا می یابد. عیسی از لمس شدن توسط کسانی که «نجس» تلقی می شوند، نمی ترسد. هیچ کس نجس نیست.

ما مانند متی فراخوانده شده ایم که از عیسی پیروی کنیم. ما باید به سخنان او گوش فرا دهیم - من رحمت را آرزو می کنم. عیسی از معاشرت با «مالیات گیران»، «گناهکاران»، «بیگانگان» نمی ترسد و ما نیز نباید بترسیم.

بیگانگان، نجس های دنیای ما، در جامعه ما چه کسانی هستند؟ بی خانمان ها؟ کسانی که با اعتیاد زندگی می کنند؟ کسانی که با مشکلات سلامت روان زندگی می کنند؟ کسانی که دیگران آنها را به حاشیه جامعه می رانند؟

حتی کسی که در چند هفته گذشته شیشه های کلیسا را می شکند.

آیا ما واقعاً با این افراد معاشرت می کنیم؟ آیا اصلاً هیچ یک از این افراد را می شناسیم؟ عیسی از این نمی ترسید و نباید بترسد. هیچ کس «نجس» نیست. کلیسا دقیقاً برای همین افراد وجود دارد، نه برای کسانی از ما که درون دیوار های ساختمان کلیسا می نشینیم. ما باید در ها را کاملاً باز کنیم و به آنها اجازه دهیم. عیسی همه را در بر می گرفت، مهم نبود که سبک زندگی آنها چقدر رسواکننده باشد. ممکن است توسط افراد «محترم» طرد شویم، اما همانطور که عیسی می گوید، رحمت خود را نشان خواهیم داد. ما باید آنها را با عشق «لمس» کنیم.

«وقتی عیسی گفت «از من پیروی کن»، به سمت حاشیه ها می رفت، نه عمارت ها. خدایا تو نیز چنین کن! آمین.»